

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

افسانه ابراهیم نژاد، خواهر عزت ابراهیم نژاد، پیگیری پرونده‌ی برادرش را از سوی مسوولان مربوطه خواستار شد.

دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئيه 2004

در رونوشتی که با مراجعه به دفتر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در خرم آباد در اختیار این خبرگزاری قرار گرفته، وی نسبت به عدم پیگیری‌های مسوولانی که برای رسیدگی به پرونده‌ی برادرش قول مساعد داده بودند، انتقاد کرده است. در ادامه‌ی این نوشته آمده است که «ابراهیم نژاد کسی بود که تمام اندیشه و شعرهایش حکایت از انسان دوستی و خداپرستی او دارد.» هم‌چنین در این رونوشت آورده شده که «به مناسبت سالگرد درگذشت عزت ابراهیم نژاد، مراسمی در 18 تیر ماه با حضور دانشجویان و فرهیختگان بر مزار او، واقع در شهرستان پلدختر برگزار می‌شود.»

مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

وزیر امور خارجه بریتانیا: «جمهوری اسلامی با فاش نکردن کامل و صریح فعالیتها و برنامه های هسته ای اش کمکی به خود نمی کند»

دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئيه 2004

جک استراو وزیر امور خارجه بریتانیا در آستانه سفر رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به اسرائیل، در گفت و گو با BBC اطمینان از اینکه کشورهای عرب و مسلمان دیگر تهدیدی برای اسرائیل نیستند، چگونگی رسیدن به خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته ای اعلام کرد و گفت: بعد از آن است که ما می توانیم فشار بیشتری بر اسرائیل وارد کنیم تا از برنامه های تسلیحات هسته ای اش دست بردارد. جک استراو در مورد برنامه های اتمی ایران گفت: جمهوری اسلامی با فاش نکردن کامل و صریح فعالیتها و برنامه هایش در این زمینه برای سازمان بین المللی انرژی اتمی کمکی به خود نمی کند. بهمن باستانی (رادیوفردا): در آستانه سفر رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به اسرائیل، وزیر خارجه بریتانیا هم درباره پرسشی که در برابر جهان است، اظهار نظر کرد. چگونگی رسیدن به خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته ای. جک استراو وزیر امور خارجه بریتانیا که با شبکه خبری انگلیسی زبان BBC سخن می گفت، اظهار داشت: «اگر یک خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته ای می خواهید، نخست باید مطمئن شوید از سوی کشورهای عرب و مسلمان دیگر تهدیدی متوجه اسرائیل نیست. بعد از آن است که ما می توانیم فشار بیشتری بر اسرائیل وارد کنیم تا از برنامه های تسلیحات هسته ای دست بردارد. برنامه هسته ای که به گفته آقای استراو برای دفاع از خود در اسرائیل پیاده می شود.»

وزیر امور خارجه بریتانیا در پاسخ به این پرسش که آیا او به تضمینهای ایران مبنی بر این تسلیحات اتمی ندارد، معتقد است یا خیر؟ گفت: «مطمئن نیستم. هیچکس مطمئن نیست.» وزیر خارجه بریتانیا افزود: «جمهوری اسلامی ایران با فاش نکردن کامل و صریح فعالیتها و برنامه هایش در این زمینه برای سازمان بین المللی انرژی اتمی کمکی به خود نمی کند.»

روابط لندن تهران در پی صدور قطعنامه ماه گذشته آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره ایران به سردی گرایید. قطعنامه ای که پیش نویس آن توسط بریتانیا، فرانسه و آلمان تهیه شد و به گزارش آسوشیتدپرس، در آن ضمن انتقاد از جمهوری اسلامی از عدم شفافیت برنامه های هسته ای، به حکومت ایران هشدار داده شد که فرصت کمی برای رد مستدل و مستند اتهام ها علیه خود دارد.

مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

خامنه ای در همدان: منافع متجاوز به ملت ایران را در هر نقطه‌ای از دنیا به خطر نمی اندازیم

دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئيه 2004

خبرگزاری فارس: حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمودند: اگر کسی به ملت ما تعرض و تجاوز کند، ما منافع او را در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد، به خطر می اندازیم.

عده‌ای با جنجال و بحث، مدتی را صرف این کردند که ثابت کنند توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی مقدم است. این ائتلاف وقت ملت است که بحث کنیم آیا توسعه سیاسی مقدم است یا توسعه اقتصادی. آنچه لازم است، آنچه مقدم است و آنچه بر گردن همه هست، رفع مشکلات مردم و پیشرفت دادن کشور است. این که ما بحث‌های سیاسی و جنجال‌های روزمره را وارد زندگی کاری مسؤولان و مردم نکنیم، هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. حق مردم است که از مسؤولان نشان کار و تلاش و ابتکار و اقدام بموقع و رفتار مسؤولانه بخواهند؛ و وظیفه مسؤولان است که پاسخگو باشند و آنچه را که وظیفه آنهاست، انجام دهند. این، ضلع اول است؛ اما کافی نیست.

ما می‌خواهیم کشورمان را بسازیم. این ملت اراده کرده است روی پای خود بایستد و به دست خود کشورش را اداره کند و به سمت قله‌های افتخاری که مناسب شأن اوست، با پای خود حرکت کند. این ملت نمی‌خواهد پشت سر قدرتهای بزرگ و با اشاره‌ی دست آنها حرکت کند. مسؤولان باید طوری حرکت و عمل کنند که این اعتماد ارزشمند را در دلهای مردم حفظ کنند؛ این اعتماد خیلی ارزش دارد. ایستادگی مردم، برای یک نظام و یک کشور، همه چیز است. با چنین پشتوانه و قدرت مردمی عظیم است که کشور و ملت می‌تواند در مقابل هر قدرت و هر متجاوزی - در هر حدی که باشد - ایستادگی و متجاوز را از تجاوز پشیمان کند. ما روی منافع کشور و ملتمان با هیچ کس در دنیا معامله نمی‌کنیم. دشمنان این کشور و این ملت برای این که برای دشمنی خودشان توجیه بتراشند، می‌گویند نظام جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته است. آمریکایی‌ها می‌گویند جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته است. ما ملت ایران در چهاردیواری کشور خودمان، هر دستی که به سمت منافع ما - چه منافع علمی، چه منافع طبیعی، چه منافع انسانی، چه منافع فناوری - به تجاوز دراز شود، بی‌درنگ آن را قطع خواهیم کرد. ما در چهاردیواری کشورمان اجازه نمی‌دهیم منافع هیچ قدرتی بر منافع ملی ما ترجیح پیدا کند و مقدم شود. و اما اگر دشمن، پررویی و تعرض و تجاوز کند، آن وقت دیگر تعرض ما به چهاردیواری کشورمان محدود نخواهد شد. اگر کسی به ملت ما تعرض و تجاوز کند، ما منافع او را در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد، به خطر می‌اندازیم.

ترویرسم و سلاحهای کشتار جمعی- آژانس بین المللی انرژی

دبیرشورای امنیت روسیه به مقامات جمهوری اسلامی یادآور شد در شرایط سوء ظن بین المللی روسیه توانایی تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را نخواهد داشت
دو شنبه 15 تیر 1383- 5 ژوئیه 2004

حجت الاسلام حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی، روز دوشنبه پس از دیدار با ایگور ایوانف، دبیر شورای امنیت روسیه گفت حکومت ایران به معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی پایبند است، ولی بر حق ایران در بهره برداری از تکنولوژی اتمی تاکید ورزید بنا به گزارش منابع روسی، هدف سفر ایوانف، رفع بحرانی است که میان جمهوری اسلامی و آژانس بین المللی انرژی اتمی بر سر اعلام از سرگیری برنامه غنی سازی اورانیوم پدید آمده است و با موضع اخیر وزیر امور خارجه بریتانیا عمیق تر شده است. منابع روسی نوشتند که ایوانف احتمالاً به مقامات جمهوری اسلامی گفته است در جو سوء ظن علیه ایران، روسیه توانایی تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر را نخواهد داشت. گلناز اسفندیاری (راديو فردا): دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی روز دوشنبه امروز بار دیگر بر پایبندی حکومت ایران به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای تاکید کرد. آقای روحانی این گفته را پس از دیدار با ایگور ایوانف، دبیر شورای امنیت روسیه در تهران مطرح کرد. وی همچنین از حق ایران در بهره بره مندی از فن آوریهای صلح آمیز هسته ای دفاع کرد. علیرضا طاهری (راديو فردا): به گفته منابع وابسته به رسانه های گروهی روسیه در تهران، هدف اصلی ایگور ایوانف از سفر به ایران، رفع بحرانی است که در ارتباط جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی انرژی اتمی پدید آمده است. این بحران با موضع گیریهای اخیر جک استرا، وزیر خارجه بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی عمق بیشتری یافته است.

در حالی که تهران می‌گوید سه کشور اروپایی، آلمان، بریتانیا و فرانسه به تعهداتشان در همکاریهای هسته‌ای با ایران وفا نکرده‌اند، شماری از مسئولان بلندپایه دولت بریتانیا از این شکوه کرده‌اند که سیاست آشتی جویانه آنها در برابر جمهوری اسلامی نتیجه‌ای به بار نیاورده است و از همین روی دلسرد شده‌اند. وزیران خارجه سه کشور اروپایی یاد شده پاییز گذشته برای جلوگیری از ارجاع پرونده برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد به دعوت همکار ایرانی‌شان کمال خرازی به تهران سفر کرده‌اند و با امضای پیمانی متعهد شده‌اند که اگر جمهوری اسلامی اجرای برنامه غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و بر پایه پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای به بازرسان بین المللی اجازه دهد از تاسیسات هسته‌ای ایران سرزده بازدید کنند، جلوی ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد را خواهند گرفت و به همکاری با ایران در زمینه فن آوریهای صلح آمیز هسته‌ای خواهند پرداخت.

اکنون دو طرف اروپایی و جمهوری اسلامی یکدیگر را صریحا به عهدشکنی متهم کرده اند. جمهوری اسلامی با ایراد اتهام عهدشکنی به سه وزیر خارجه یادشده، سه وزیر معروف به سه تفنگدار اروپایی، مونتاژ قطعات دستگاههای سانتریفیوژ را از سر گرفته است. دستگاہهایی که برای غنی سازی اورانیوم به کار می روند. در مجلس شورای اسلامی نیز که اکنون زیر سلطه محافظه کاران است، زمره عدم تصویب امضای ایران در پای قرارداد الحاقی برخواسته است. همین بحران بی گمان بزرگترین سد راه همکاری روسیه با ایران برای بهره برداری از نیروگاه هسته ای بوشهر است. عملیات احداث این نیروگاه قرار است سال آینده میلادی به پایان رسد و در سال 2006 بهره برداری از آن آغاز شود. منابع وابسته به رسانه های گروهی روسیه می گویند: ایگور ایوانف بی گمان به حسن روحانی، طرف اصلی ایرانی در مذاکرات هسته ای یادآور شده است که روسیه در جو سوء ظن جامعه بین المللی به جمهوری اسلامی و برنامه های هسته ای توانایی تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر را نخواهد داشت. ایگور ایوانف در سفر به تهران همزمان دیدارش با حسن روحانی، کمال خرازی، وزیر خارجه و غلامعلی حداد عادل، رئیس مجلس شورای اسلامی و گفتگو در زمینه مشکلات هسته ای ایران درباره آینده خزر نیز مذاکراتی انجام داد. جمهوری اسلامی و روسیه بر سر نظام حقوقی دریای خزر با یکدیگر اختلاف عمیق دارند.

شیعیان و آینده عراق - حکومت عرفی یا مذهبی

مقتدا صدر خطاب به ملت عراق: مقاومت را ادامه دهید، دولت موقت غیر مشروع است
دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئیه 2004

رهبرمبارز عراق دولت موقت را غیر قانونی خواند. به گزارش سرویس بین الملل ایلنا، "مقتدا صدر" روحانی عراقی گفت: با کسانی که با نیروهای تحت فرماندهی آمریکا همکاری می کنند، صلح نخواهم کرد. به گزارش شبکه خبری BBC، بیانیه "مقتدا صدر" تنها چند ساعت پس از دعوت "ایاد اعلوئی" نخست وزیر عراق از شبه نظامیان این کشور برای خلع سلاح و آتش بس، انتشار یافت. به گزارش این شبکه خبری، "صدر" در بیانیه خود تصریح کرد: اعلام می کنیم دولت کنونی عراق غیر قانونی و غیر مشروع است. وی افزود: ما خواستار استقلال کامل و تعیین دولت مشروع از طریق انتخابات مستقل هستیم. به گزارش این خبرگزاری، علت تغییر موضع "صدر" مشخص هنوز نیست. این درحالی است که پیش از این "صدر" بر تشکیل حزب سیاسی و شرکت در انتخابات آتی عراق تاکید کرده بود.

مداخله رژیم ایران در عراق

بازداشت دو ایرانی به اتهام تلاش برای بمب گذاری در عراق
دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئیه 2004

خبرگزاری فارس: خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس ادعا کرد مقام های عراقی امروز دو ایرانی را که گفته می شود درصدد انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در مجتمع مسکونی در شرق بغداد بودند، بازداشت کردند. "عدنان عبدالرحمان" سخنگوی وزارت کشور عراق امروز اعلام کرد این دو ایرانی در منطقه "طالیبه" هنگامی که سعی داشتند در داخل یک خودرو بمب گذاری کنند، بازداشت شدند. عبدالرحمان گفت این اولین بار است که نیروهای عراقی مبارزان خارجی را در این کشور بازداشت می کنند. مقام های عراقی عامل بسیاری از بمب گذاری های اخیر را مبارزان خارجی و افراطیون مذهبی می دانند. این مقام عراقی به جزئیات بیشتر در مورد هدف این افراد اشاره ای نکرد.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های صبح امروز تهران
بی بی سی - دو شنبه 15 تیر 1383 - 5 ژوئیه 2004

روزنامه های صبح امروز تهران همچنان به بحث ها و گزارش های خود درباره محاکمه صدام حسین و ادعاهای خسارت ایران از دوران ریاست جمهوری او ادامه داده اند. به نوشته روزنامه ایران در اولین روز از سفر رییس جمهوری سوریه به ایران، که در عین حال دیروز به دیدار رهبر جمهوری اسلامی هم رفت، پرونده عراق روی میز گفتگوها بوده است. **وقایع اتفاقیه** نوشته سفر بشار اسد در موقعیت کنونی نشاندهنده نزدیکی میان دو کشور و عزم تهران و دمشق برای حل مشکلات است.

روزنامه **جمهوری اسلامی**، که همچنان محاکمه صدام حسین را نمایشی می خواند، در سرمقاله خود نوشته در این محاکمه موضوع جنگ عراق علیه ایران، همدستی با سران دولت های آمریکا و اروپا برای جنایات علیه ملت های عراق و ایران و همدستی با سران کشورهای عربی برای ارتکاب جنایت علیه ملت ایران در بین اتهامات رییس جمهوری سابق عراق نیست.

کیهان نوشته سپاه پاسداران و مجلس شورای اسلامی خواستار تلاش جدی مسئولان وزارت خارجه برای مطرح شدن بزرگترین جنایت صدام علیه ملت ایران در دادگاه وی شدند.

اظهار نظرهای چند روز گذشته مقامات و کارشناسان ایرانی درباره ادعاهای ایران علیه صدام حسین در حالی صورت می گیرد که به نوشته **کیهان** سیدمحسن حکیم از اعضای دولت موقت عراق گفته است هنوز از سوی ایران اقامه دعوا علیه صدام نشده است.

کیهان همچنین مصاحبه هوشیار زیباری وزیر خارجه دولت موقت عراق را با بی بی سی پر اهمیت دیده که گفته است بارها از کشورهای همسایه مان خواسته ایم که کنترل مرزهایشان را تشدید کنند، اما اقدام چندانی در این باره انجام شده است.

آفتاب یزد در سرمقاله خود این سؤال را مطرح کرده که چه حقی به ما اجازه می دهد که خود را مرکز خوبی های عالم بدانیم و دیگران را الگوی فساد بشماریم و خود را انقلابی ترین مردم جهان بدانیم و سران کشورهای دیگر را آلت دست قدرتمندان فرض کنیم.

به نوشته **شرق** سردار باقرزاده از سپاه پاسداران اعلام کرده که در حال بررسی اقدامات لازم برای دفن شهدای گمنام در سفارتخانه ها و مراکز فرهنگی اسلامی ایران در کشورهای مختلف جهان از جمله هامبورگ و لندن است.

به نوشته **کیهان** یکی از سرداران سپاه با اشاره به دفن تعدادی از کشته شدگان بریتانیایی جنگ جهانی دوم در سفارت تابستانی بریتانیا در تهران گفته است تقاضای ما هم مشابه دولت انگلستان و اقدامی بر اساس يك روش جاری و بر مبنای عرف و حقوق بین الملل است.

این طرح در حالی مطرح می شود که سال گذشته طرح مشابهی از سوی شهرداری تهران برای دفن شهدای گمنام در میدان های تهران با مخالفت روبرو و منتفی شد.

در سالگرد حمله موشکی رزمناو آمریکایی به هواپیمای ارباس ایران، که مقدمه پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق شد، به نوشته روزنامه های صبح امروز وکیل قربانیان اعلام کرده که این پرونده از نظر حقوقی پایان گرفته و تمامی ۲۹۴ مسافر آن بر مبنای نفری ۳۰۰ هزار دلار غرامت های خود را دریافت کرده اند.

شرق، **وقایع اتفاقیه** و روزنامه جدید **جمهوریت** خبر داده اند که مجلس هفتم، که محافظه کاران در آن اکثریت دارند، در اولین ماههای فعالیت خود، یکی از طرحهای اصلاح طلبان مجلس ششم را که در مورد تساوی دیه زنان و مردان تنظیم شده بود رد کرد و به جای آن طرحی را به تصویب رساند که محافظه کاران در دوران حضورشان در مجلس پنجم آن را تهیه کرده بودند.

سه روز مانده به سالگرد تظاهرات دانشجویی هجدهم تیر، یکی از مسئولان انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران اعلام کرده است که چون با برگزاری این مراسم در دانشگاه ها مخالفت شده کوششی در پیش است تا از آن جا که برگزاری تجمع و تحصن در مکان های سرپسته نیاز به مجوز ندارد، مراسم امسال در حسینیه ارشاد برپا شود.

زلزله بم- فاجعه ملی

يك روز در بم

سام فرزانه: شرق- دو شنبه 15 تیر 1383- 5 ژوئیه 2004

• آدم اول؛ تلخک

برای بار چندم است که بعد از زلزله به بم آمده ام. در میدان فرمانداری، که پس از زلزله تا ساخته شدن کانکس ها پذیرای چادرهای مردم شهر بود، منتظر خسرو منصوریان مدیر یکی از NGO های فعال در بم ایستاده ام. قرار است با هم به محل برگزاری جلسه گفت وگویی NGO ها با استاندار کرمان برویم. زیر آفتاب می ایستادم مخم داغ می کرد. پس به زیر سایه کمیاب درختی آمدم. کنار يك واکسی که سیگار هم می فروخت می ایستم. دندان هایش مثل خانه های شهر مخروبه هستند. پا برهنه است و آبله رو. با هم که دست می دهیم انگار به پوست اسب عرق کرده دست زده ام. برای رفع بی کاری بد نیست که از او درباره کار و بارش بپرسم. از نماشیر، دهی در نزدیکی بم، آمده است. کار و کاسبی در بم مصیبت زده بهتر از روستای خودشان است.

اول می گوید که در کار سیگار و واکس است. بعد بدون آنکه به او اصرار کنم از اسرار کار هم برابرم می گوید: «ترباک، گرد، بنگ و شراب هم داریم.» می چسبد به من که بگو چه می خواهی. با او قرار زمان بازگشت را می گذارم. برای آنکه زیاد دلخور نشود که راز مگویش را به من گفته است، به او آدامس تعارف می کنم. طعم اوکالیپتوس دارد. یکی به دهان می گذارم. وقتی می خواهد یکی از آدامس ها را از دستم بگیرد، می گوید: «حالا نون و نمک هم را خوردیم.» دستم دوباره به چرم اسب می خورد. دو سه تا گاز به آدامسش می زند. مزه آدامس به دهانش سرازیر می شود.

با نگرانی نگاهم می کند. برمی گردد رو به جویی که میدان فرمانداری را دور می زند، آدامس را با آب دهان به جو تف می کند: «تلخه، تلخه، تلخه...» دندان های ویرانش را نشانم می دهد. انگار نمی تواند جلوی دهانش را بگیرد. نگاهش نگران است. می گویم که نگران نباشد من هم از آنها می خورم. یکی دیگر می خواهد تا مطمئن شود که همه آدامس ها يك مزه می دهند. باز دستم به چرم اسب می خورد. دو تا گاز نزده آدامس را تف می کند.

پابرهنه تا دم جو می رود. از آب درون جو برمی دارد دهانش را می شوید. تف می کند. از آب جو به صورتش می زند. می پرسد: «تو از اینها می خوری؟» آدامس را از دهانم در می آورم و با جعبه اش به داخل سطل زباله می اندازم. فکر می کنم که این چه چیزی است که این مواد فروش از خوردنش ابا دارد.

• آدم دوم؛ هیپوتاموس

با هیپوتاموس در حیاط خانه مادر بزرگ شیرین جهان پور آشنا شدم. يك اسب آبی پلاستیکی بود که کنار باغچه خانه مادر بزرگ شیرین روی زمین افتاده بود. رنگش بنفش بود تا دیدمش برایش اسم گذاشتم: هیپوتاموس. معلوم بود که چندان اسباب بازی مورد علاقه شیرین نیست. شیرین برای خودش خانمی شده بود و معلوم بود با يك اسب آبی بازی نمی کند. کلاس سوم را تمام کرده است. هرسال با معدل بیست به کلاس بعدی می رفت. اما امسال معدلش نوزده شده است با يك ممیز و چند تا عدد که معلوم بود هیچ وقت به انتها نمی رسد. همین امسال که پدرش مرده بود او معدلش از همیشه پائین تر آمده بود.

با منصوریان آمده ایم خانه آنها تا اگر منصوریان تشخیص داد مستحق هستند مقرری ماهانه ای برایشان در نظر بگیرد. یکصد هزار تومان در ماه. برای اینکه کارها درست شود باید چهار عکس از شیرین را به محل NGO می بردند. همان روز یا فردایش. شیرین باید روبه روی دوربین می نشست. خانم شده بود.

قبل از اینکه هیپوتاموس را ببینیم همه با هم در کانکسی که دایمی شیرین برای خود دست و پا کرده است می نشینیم. می گویند که همه خواهر و برادرها بعد از زلزله دور هم در حیاط خانه مادر جمع شده اند. یکی شوهر، یکی پسر و یکی همسر از دست داده است. با خانه ها و دار و ندار. حالا وجب به وجب خانه کانکسی ساخته اند. شیرین و مادرش ته حیاط کنار دستشویی وسایل زندگی را که از زیر آوار بیرون آورده اند کوه کرده اند.

چادری از آنها محافظت می کند. دایمی دانشجو بوده است. حالا در راه آهن مشغول است. در کار ساخت کانکس به خانواده اش کمک می کند. دایمی دیگر هم آن طرف تر کانکسی دارد. شیرین که عکس هایش را برد وضع بهتر می شود. آنها هم خانه دار می شوند. مادر بزرگ از اینکه بچه ها دور و برش هستند ناراضی نیست. هرچند که غم یتیمی نوه اش را در دل دارد. پا درد هم دارد که قرار می شود برود فیزیوتراپی درستش کند.

از خانه که می رویم همه خاله و دایمی ها خوشحال هستند. می خواهیم هیپوتاموس را برداریم. اما می ترسم دل کودک با آن باشد. از خیال تنها چیزی که از فاجعه زلزله پنجم دی بم قصد به یادگار بردن داشتیم می گذرم. اما هنوز به آن اسب آبی فکر می کنم که چطور در آن کویر داغ تاب آورده بود.

• آدم سوم؛ ابوذر

اولین بار که ابوذر را می بینم روی هوا بلند شده است و با پا به دوستی لگد می پراند. بعد هم به دوستی دیگر. شاید هفت ساله باشد. از آن پسرهایی است که در يك آن می تواند جماعتی را با کارهایش آسبی کند. همه در حال بازی هستند او لگد می پراند و تخمه می شکند. از سعید پسر سلطنت سنجری خواسته ام تا دور و اطراف را به من نشان دهد. سعید چشم های سبز شیطانی دارد اما آرام است. مادرش سلطنت با پدرش و چهار برادر و خواهر و مادر بزرگ در دو کانکس زندگی می کنند. یکی از دو کانکس با کولر خنک می شود دیگری گرما دارد و برای خواب شب خوب است. شوهر سلطنت جوشکار است و کارش با ساختن کانکس ها سکه شده است. قبلاً مستاجر بودند و حالا باید در این کانکس ها منتظر باشند تا ببینند چه می شود. سعید مرا می برد تا اطراف را ببینم.

زیر سقف سه سوله، بچه ها دارند بازی می کنند. به غیر از ابوذر که لگد می پراند. بازی غریبی، چیزی بین هندبال، فوتبال و بسکتبال بازی می کنند. با توپ بسکتبال به دروازه های گل کوچک با دست گل می زنند. دختری هجده ساله درون دروازه است که همه او را خانم صدا می کنند. خانم از طرف يك نهاد غیر دولتی آمده تا با بچه ها بازی کند. این NGO بمی است و چون توپ دیگری ندارند همین توپ

ها را در اختیار بچه ها قرار داده اند. از یکی از مربیان که می پرسم چرا برای بازی بسکتبال يك حلقه دست و پا نمی کنند، می گوید که اینجا موقتی است و باید بعداً در جای اصلی خود از تجهیزات استفاده کنند. زیر سوله دیگر چند كودك با توپ بسکتبال والیبال بازی می کنند. نگران دست هاشان هستم. اما سرگرمی آنها مهم تر است.

ابوذر از جیب كوچك تی شرت زردش تخمه در می آورد. نمی دانم جیبش چه گنجایشی دارد که هر چه از آن بر می دارد کم نمی شود. می پرسم که زمان زلزله کجا بوده است.

• خونه بی بی ام در بروات.

• پدر و مادرت چه؟

• خونه بودند. مردند.

به همین سادگی از مرگ پدر و مادر می گوید. با برادرش در کانکس خاله اش زندگی می کنند. مدام به دروغ می گوید که فلانی برادر، پسر خاله یا پسر عمه اش هستند. آن قدر دروغ می گوید که یکی می گوید او بچه بدی است. دختری شکایت می کند: «همه اش فحش می دهد.» دیگری: «نه بچه خوبه.» نفهمیدم چه جور بچه ای است.

کانکس آنها هم مثل بقیه کانکس ها است. بدنه فلزی دارد که بازتاب آفتاب بر آن چشم آزار است. میان لایه های فلز پر از پشم شیشه و چوب پنبه است.

• آدم چهارم؛ تنها در خانه

«نصر من الله و فتح قریب» روی کاشی نوشته بودند و کاشی را بالای خانه نصب کرده بودند. زلزله آمده بود و خانه ریخته بود. آنچه باقی مانده بود همان يك کاشی بود. خانواده دکتري که در آن خانه ساکن بودند به تهران می روند و کاشی را با چند نخل و حیاط خانه در اختیار خانواده دیگری می گذارند که چادرشان را در حیاط خانه آنها علم کرده اند.

کاشی را به دیوار چادر تکیه داده اند. درست زیر دریچه کولر که از پنجره چادر به درون فوت می کند. این کاشی را به یادگار نگه داشته اند. یادگار از خانه دکتري. حالا چرا از خانه دکتري و چرا از خانه خودشان نه را نمی دانیم. شاید هم امید به پیروزی فوری آنها را به نگهداری کاشی فیروزه ای ترغیب کرده است. «وحید» تنها عضو خانواده رحیم نژاد است که در بم و درون چادر مانده است. بقیه در کرمان خانه گرفته اند. پدرش استاد بنا است و هر هفته یکی دو روزی به کرمان می رود. برادرش در جهاد کار می کند و او هم خانواده اش را به کرمان برده است. تنها در چادر مانده تا از یکی دو قلم جنسی که در چادر دارند مراقبت کند. یکی شان همان کولر است که در دل کویر کمی هوا را قابل تحمل می کند. کولر که روشن است دیوار روبه روی چادر مثل بادبان کشتی سندیباد بحری باد می کند.

همین کولرها هستند که باید او و بمی های دیگر را از گرمای خرماپز مرداد ماه بم نجات دهد. سر بچیانند این خنك کننده را از دست می دهد: «گاهی که تو چادر نشسته ام، می بینم سایه یکی پشت در است. ازش که بپرسی چه می خواهی می گوید يك لیوان آب. اگر هم نباشی وسایلت را جمع می کنند.» روزهای اول از آنها هم چیزهایی برده اند. حالا در خانه پاس می دهد. همان روزهای اول بوده که از خانه شان کلی وسیله برده اند. هر چه هم که باقی مانده بود را برداشتند و به کرمان بردند.

برای سرگرمی رادیو، تلفن و موتور دارد. يك قلیان هم دارد که می گوید رفقا از آن استفاده می کنند و او که «ورزشکار» است اساساً از «دود متنفر» است. با موتور چرخی که بزند دلش باز می شود. مثل اینکه در چادر را باز کند و به خیابان و اتومبیل ها نگاه کند. چادری که در حیاط دکتري علم کرده اند. محاسنی دارد که اگر همین چادر را در حیاط خانه خرابشان کار می گذاشتند از آن محروم می شدند. اولی برق و تلفنی است که از سیم های بی کس و کار خیابان به چادر آورده اند. دومی همین کنار خیابان بودن و تماشای رفت و آمد و زندگی است. سومی موزائیک های خانه دکتري است که وقتی بادهای کویری می وزند از به هوا رفتن بیشتر خاك جلوگیری می کند. خانه خودشان بین چند مخروبه دیگر گیر کرده است.

برای غذا پختن يك تلفن به کرمان می زند و از مادرش می پرسد که چطور چه غذایی را بپزد. فقط ۲۳ سال دارد. حسابداری خوانده و سربازی رفته. سه ماهی پس از زلزله در جهاد کار کرده و حالا منتظر است که از بانك ملی به او جواب بدهند آیا در امتحان ورودی قبول شده است یا خیر. گفت که برای کار در بانك تقاضانامه ای پر کرده و امتحانی داده است: «به کار دفتري علاقه دارم. دنبال این جور کارها هستم. سرباز که بودم يك پادگان را می چرخاندم.» حالا تنها در چادر نشسته تا اوضاع و احوال زمانه بچرخاندش.

• آدم پنجم؛ حجار

نه برای شیرین که برای جان های شیرین چو خرماي مردم بم سنگ می تراشد. برای آنها که مرده اند و زنده ای دارند تا سنگی بر گورشان بگذارد. حجار است و از شوش تهران آمده است. اسمش «احمد رضایی» است. از دی ماه به این سو کلی مصاحبه کرده است. مصاحبه برایش عجیب نیست. آرام کارش را می کند: مرغی غزل خوان برحاشیه سنگ و گلی که از بالای سنگ گلپراهایش را تا ابدیت روی نام عزیزی بیاندارد که در خاک خفته است. بعضی از سنگ ها چند نام دارند با يك نام خانوادگی.

• بعد از آنکه به بم آمدی دیگر به تهران نرفتی؟
هر بیست روز يك بار تهران می روم. از همین فرودگاه بم با هواپیما می روم با هواپیما برمی گردم.
• بلیت هواپیما به بم چقدر قیمت دارد؟
در هر مسیر سی و دو هزار و صد تومان.
• مگر اینجا سنگ تراش نیست که شما را از تهران آورده اند؟
کار ما را ندارند. کارشان ضعیف است.
• کار را به بمی ها یاد می دهی؟
نه. آنها نمی توانند. کار خود ماست.
• چقدر در این ماه ها کار کرده ای؟
چهار میلیون شده است.
• اگر تهران بودی در این مدت چقدر پول می ساختی؟
يك ونیم. اینجا کار بیشتر است. من روزی هجده ساعت کار می کنم.
• با پولی که در آوردی می توانی در تهران يك مغازه بخری؟
نه. باید مغازه سنگ تراشی یا در جاده بهشت زهرا باشد یا در شوش. آنجا هم قیمت مغازه گران است.

• کجا می خوابی؟
تو چادر.
• از کی دنبال شما آمدند؟
از همان هفته اول. اول کرمان رفتم بعد آمدم بم.
• مغازه برای که هست؟
بمی ها. من برای صاحب مغازه کار می کنم. برای هر سنگ من پول خودم را می گیرم. او هم سنگ را می فروشد.
• برای هر سنگ چقدر پول می گیری؟
بین هزار تا بیست هزار تومان. بیست هزار تومانی ها هم مرغ دارند، هم خط، هم عکس طرف.
• متن ها از چه کسی است؟
از ما و خودشان. اما همه دوست دارند که بنویسند قوم و خویششان در زلزله مرده است. می نویسند در اثر زلزله.
• قبرهای گروهی چه؟
آنها که از روز چهارم به بعد دفن شده اند سنگ می خرنند. چون کسانی که در روزهای اول دفن شدند معلوم نیست که کجا هستند و چه کسانی هستند.
• سنگ ها از کجا می آیند؟
اصفهان.
• تا کی اینجا هستی؟
تا دو هفته دیگر.
• در زلزله های دیگر هم حضور داشتی؟
در رودبار هم بودم. من آن زمان در سنگ تراشی تهران بودم و مردم می آمدند تهران سنگ می خریدند و می بردند.
• بقیه مصاحبه هایی که انجام داده بودی هم این طور بود؟
اکثراً همین ها را پرسیدند. با چندتا سنوال احساسی.
• احساساتی که نمی شوی؟
تهران نه اما اینجا آره. فکر کن يك دفعه کل خانواده رفته اند يك پسر پنج ساله باقی مانده است.
• اصولاً سنگ تراش ها از مرگ مردم احساساتی می شوند؟
آره خوب ما هم آدمیم. دل داریم. خب شغلمان این است.
• شما هم مثل پزشك ها آن قدر مرگ دیده اید که نباید متاثر بشوید.
نمی گویم که ما زار زار گریه می کنیم. اما گاهی تحت تاثیر قرار می گیریم.
• اینجا چه چیز عجیبی مردم روی سنگ قبرها می کنند؟
بیشتر از ما می خواهند که به آنها بگویم چه روی سنگ بنویسند. اما در تهران من همه جور سنگی ساختم. مثلاً برای یکی نوشته بودم: مردم از خوشی. یا حتی برای مرغ و خروس و گربه هم سنگ تراشیدم.

• آدم ششم؛ صورتگر بم

توی یکی از خیابان های بم دنیای دیجیتال را می بینم. جایی که مردم عکس عزیزان از دست رفته خود را روی پس زمینه ای از غروب چاپ می کنند و آن را پرس کرده داخل جیب و کیف پول می گذارند.

«هاله عساری» بمی است. از پیش از زلزله يك آتلیه عکس دیجیتال در بم راه انداخته است. در آنجا عکس های شکسته، سیاه و سفید و کوچک را گرفته، آنها را ترمیم و رنگ می کند. بعد روی پس زمینه ای از غروب و لاله زار و گاهی هم ارگ بم قرار می دهد و آنها را چاپ می کند. سرش آن قدر شلوغ است که برای گفت وگویی کوتاه باید کلی منتظر راه انداختن کار مشتری ها باشیم. یکی از مشتری ها می خواهد که عکس خودش را کنار عکس خواهرش با هم چاپ کنند. دنیای دیجیتال این امکان را داده که با طبیعی ترین شکل ممکن خاطرات نداشته ای را مردم برای خود بسازند. چاپ يك عکس روی کاغذ ۴۵۰۰ A4 تومان برای مردم خرج بر می دارد. البته با تمام کارهایی که روی عکس انجام می دهند. روزی نزدیک پنجاه هزار تومان فروش مغازه است که از آنجا باید اقساط کامپیوترها و چاپگرها را بپردازند. بعد از زلزله تمام دستگاه های مغازه غارت شده است.

• آدم هفتم؛ فرزند دلیندش

روی قبری نوشته شده است: آرامگاه فاطمه امیری پور و فرزند دلیندش. آن قدر عجله و کار بوده که فرزندان را همان طور در آغوش مادر در خاک گذاشته اند. از این قبرها کم نیستند. در سرتاسر قبرستان بم پر از این قبرها است. همه فرزندان دلیند در آغوش یا در کنار مادر و پدرشان خوابیده اند. بخش زلزله قبرستان بم باید تغییراتی بکند. مردم باید قبرهای عزیزانشان را پنجاه سانتی بالا بیاورند تا هم سطح دیواره کنار قبرستان شود. دیواره ای آنجا کشیده شده که باید همه هم قد آن شوند.

حالا که قبرستان مثل روزهای اول زلزله برویایی ندارد نوبت به بنایی و زیباسازی آن رسیده است. با مجید ذوالفقاری راننده تاکسی به قبرستان رفته ایم. دعا می کند که چنان زلزله ای در تهران نیاید: «اینجا خانه ها باغی بود اما در تهران اگر زلزله بیاید با آن خانه های چسبیده به هم دیگر هیچ چیز نمی ماند. با این شایعاتی که هست دل ما می لرزد.»

• آدم هشتم؛ جورج بوش

برای مراسم عقد و عروسی یکی از اقوام به کرمان رفته ام. عروس اصلیت بمی دارد. برخی از بستگان نشان در بم فوت کرده اند. دایی پدر عروس معلم بازنشسته ای است که در بم بوده و خانه اش خراب شده است. خنده رو و دردمند است. با عاقد که پیرمردی روحانی است درد دل می کند. از خرابی زلزله و وضع مردم بم می گوید. عروس و داماد مشغول امضای هزار و يك شرط و شروط ازدواج هستند. امضاها که تمام می شود درد دل ها هم تمام می شود. روحانی خطبه عقد می خواند. عروس به کار گل و گلاب است. همه لبخند دارند. دایی پدر عروس هم همینطور. شرعاً عروس و داماد شدند.

روحانی از همه می خواهد دست ها را به آسمان بلند کرده و با او دعا کنند. هر دعایی که می خواند همه يك آمین بلند می گویند: خدایا این دو جوان را عاقبت به خیر بفرما. خدایا این دو جوان را به مکه مکرمه مشرف بفرما. خدایا همه جوان ها را به راه راست هدایت فرما.... آخرین دعایش این بود: خدایا آمریکا، انگلیس و همه کفار را از عراق بیرون بفرست. به غیر از خودش کسی آمین نگفت. از آن روز مدام فکر می کنم که آیا مرد روحانی برای مردم بم هم دعا کرد یا نه؟ یادم نمی آید.

گوناگون

مدیریت بحران هسته ای

گفت وگو با سیدحسین موسویان دبیر کمیته روابط خارجی شورای امنیت ملی
همشهری - سه شنبه 16 تیر 1383 - 6 ژوئیه 2004

ایران، در ماه های اخیر، تجربه دیپلماسی قابل توجهی را در چالش با جامعه جهانی، به ویژه آژانس انرژی اتمی از سرگذرانده و به موفقیت های قابل توجهی نیز نایل شده است. ادعاهای آژانس انرژی اتمی در مورد استفاده غیرمجاز ایران از انرژی هسته ای و نقش مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در پیشبرد مذاکرات آژانس با ایران، به خوبی قابل لمس است. همچنین اسناد و مدارک ایران برای دستیابی به تکنولوژی صلح آمیز هسته ای، خود گویای این واقعیت است که ایران درصدد است با تلاش دانشمندان جوان خود، همچون هر کشور توسعه یافته دیگری انرژی با صرفه و هنگفت هسته ای را به مجموعه انرژی های قابل دسترسی خود اضافه کند.

به منظور آشنایی با مدیریت بحران هسته ای کشور با سیدحسین موسویان، دبیر کمیته روابط خارجی شورای امنیت ملی ایران و سخنگوی هیات ایرانی در گفت و گو با آژانس انرژی اتمی، گفت و گو کرده ایم که متن آن را در صفحه ۶ می خوانید.

* اجازه بدهید که يك بحث صریح و باز در مورد مدیریت بحران هسته ای کشور داشته باشیم. برای این منظور لازم است که مسائل را از ابتدا مورد بحث قرار دهیم. آیا آماده اید همه واقعیتها را بگویید؟ - با يك بحث صریح و باز در مورد مسئله هسته ای موافقم. البته آنچه که قابل گفتن باشد را می گویم. بپذیرید می توان دروغ نگفت، اما نمی توان همه حقایق را برملا کرد. مسائل مهم سیاسی هر کشور، اسراری دارد که سالها بعد فاش می شود.

* یکی از مسائل مهم بحران هسته ای بحث شورای امنیت سازمان ملل است. دو سؤال مطرح است: اولاً: چقدر این بحث جدی بود و ثانیاً چه خطراتی داشت؟ زیرا اخیراً در بعضی از سایتهای خبر تحلیلهایی دیده می شود که معتقدند ارجاع موضوع به شورای امنیت بهتر از طی روند ماه های گذشته بوده است. البته این حرف را پوشیده و غیرمستقیم مطرح می کنند.

- در سپتامبر ۲۰۰۳ قطعنامه ای صادر شد و از ایران خواسته شد گزارش کاملی از فعالیتهای گذشته و جاری هسته ای ارائه کند و پروتکل را بدون قید و شرط پذیرفته و تصویب کند و غنی سازی و فعالیتهای مرتبط با آن را به تعلیق درآورد.

اگر ایران قطعنامه را رد می کرد، آژانس براساس مقررات خود اعلام می نمود که قادر به درستی آزمایش صلح آمیز بودن فعالیتهای ایران نیست و لذا طبق مقررات آژانس موضوع به طور اتوماتیک به شورای امنیت ارجاع می شد. اما اگر ایران قطعنامه را هم می پذیرفت، تضمینی برای عدم ارجاع موضوع به شورای امنیت نبود. زیرا می توانستند حتی با وجود پذیرش قطعنامه، به قصورات ایران نسبت به اجرای معاهده NPT و پادمان اشاره کرده و تحت عنوان عدم پای بندی ایران به معاهده آن را به شورای امنیت ارجاع دهند. همانطور که لیبی با وجودی که تمام خواسته های آمریکا و انگلیس را پذیرفت، اما نتوانست مانع ارجاع مسئله به شورای امنیت بشود. اما ابتکار ایران در کار با سه کشور اروپایی و بیانه تهران باعث شد که از تهدید آنی برای ارجاع به شورای امنیت جلوگیری شده و مسئله در داخل آژانس پیگیری شود.

* به مسئله لیبی اشاره کردید. اگر پرونده ایران هم مثل لیبی به شورای امنیت می رفت چه می شد؟ - اولاً: لیبی به عدم پای بندی خود به معاهده NPT اعتراف کرد. ثانیاً: تمام تجهیزات هسته ای خود را تحویل آمریکا داد. ثالثاً: برای خروج از تحریم تن به سازش داد. لیبی در طول يك دهه دچار تحریم شد و فشارهای تحریم لیبی را وادار به پذیرش مسئله کرد. لیبی متعهد شد که تمام برنامه های هسته ای خود را کنار بگذارد و حتی موشکهای خود را تحویل آمریکا دهد. اینها همه نشانگر خطرات ارجاع موضوع به شورای امنیت و تحریمهای شورای امنیت است. اما در مورد ایران کاملاً متفاوت است. ایران اصرار داشته و دارد که به معاهده NPT پای بند بوده، نقض نکرده، به سمت ساخت سلاح های هسته ای انحراف نداشته است. ایران اصرار داشته و دارد که مایل است و مصمم است صلح آمیز هسته ای را حفظ کند.

* اگر موضوع به شورای امنیت می رفت چه می شد؟ - اول این که نشانگر این بود که ایران به معاهدات بین المللی پای بند نبوده است. دوم این که توان هسته ای ایران به عنوان تهدید برای صلح و امنیت منطقه و بین المللی مطرح می شد!

دیگر این که تمام خواسته های قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۳ شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، در قطعنامه سازمان ملل تکرار می شد.

چهارم اینکه سرپیچی از اجرای قطعنامه سازمان ملل می توانست ایران را از فعالیتهای هسته ای محروم کند و پنجم اینکه در صورت عدم پیروی از چنین مصوبه ای نیز هیچ اطمینانی وجود نداشت که ایران را تحریم نکنند و یا به بهانه تهدید امنیت بین المللی، طبق بند ۷ منشور سازمان ملل، استفاده از زور علیه ایران را مشروع اعلام کنند.

البته این مراحل در يك جلسه تصمیم گیری نمی شد. می توانست موضوع ایران تا رسیدن به این مرحله حتی تا دو سال هم در دستور کار شورای امنیت بماند و قطعنامه های متعدد صادر شود. چنین وضعی علاوه بر خطرات فوق الذکر، روابط ایران با جهان را به شدت تحت تاثیر قرار می داد و کاهش می داد. چنین اوضاعی مسلماً بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی تاثیر منفی داشت. اصولاً کشوری که مجرم یا متهم باشد، روی میز شورای امنیت سازمان ملل قرار می گیرد. این افتخاری نیست که بعضی به راحتی از آن سخن می گویند.

* يك ایراد اساسی به مدیریت بحران هسته ای این است که همه امتیازها را داده و هیچ امتیازی نگرفته است؟ و لذا بیانه تهران را مغایر منافع ملی کشور می دانند، آیا این طور است؟

- در بیانه تهران با امضاء پروتکل و تعلیق غنی سازی موافقت شد. این دو مطلب را عالی ترین مقامات کشور قبل از بیانه تهران اعلام کرده بودند. لذا حقیقت این است که در بیانه تهران در مقابل این دو مطلب از قبل اعلام شده، تعهداتی را اروپایی ها دادند.

* ایراد اساسی دوم به روند سیاستهای هسته ای این است که اروپایی ها به تعهداتشان عمل نکردند و با ما بازی کردند...

- مهمترین تعهد اروپایی ها حل و فصل مسئله هسته ای ایران در داخل آژانس و عدم ارجاع موضوع به شورای امنیت بود که به این تعهد خود تا به امروز عمل کرده اند.
* آنها قول داده بودند که در زمینه تکنولوژی صلح آمیز هسته ای همکاری کنند که تا به امروز هیچ کاری نکرده اند.

- مبنای بیانیه تهران بر این است که با همکاری شفاف ایران با آژانس پس از رفع کلیه ابهامات در مورد فعالیت های هسته ای ایران اروپا نیز با ایران در زمینه تکنولوژی صلح آمیز همکاری داشته باشد. هنوز دو ابهام باقی مانده است. اگر این ابهامات باقیمانده رفع شد، آژانس نیز ماهیت صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران را اعلام کرد و بعد اروپایی ها همکاری نکردند، می توان با قاطعیت گفت که به این بخش از تعهد خود در بیانیه تهران پای بند نبوده اند.

* پس بیانیه تهران را نقض نکرده اند؟
- اگر بیانیه تهران را دقیق بخوانید تایید خواهید کرد که این بیانیه هنوز هم معتبر است.
* اما همه کشور از خلف وعده اروپایی ها حرف می زنند. خود شما هم اعلام کردید که اروپایی ها به تعهدشان عمل نکردند...

- من اعلام کردم اروپایی ها به تعهد خود در قبال توافق در بروکسل عمل نکردند. آنها قول داده بودند که در اجلاس ژوئن تلاش کنند که پرونده بسته شود.
* دلیل آنها برای عدم تلاش چیست؟

- می گویند آژانس همکاری کامل ایران را تأیید نکرده، هنوز ابهامات باقی مانده و مسائل کاملاً حل نشده است. باید ابهامات رفع شود تا پرونده بسته شود.

* پس بیانیه تهران و این روند همکاری ها و سیاست های هسته ای چه خاصیتی داشته است؟
- در سپتامبر ۲۰۰۳ با صدور قطعنامه، وضعیت برای ایران پیش آمد که خلاصه آن از این قرار است:
۱- نگرانی های گسترده بین المللی در مورد غیر صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران و مخفی کاری های هسته ای ایران؛ به نحوی که ایران را به عنوان چالشی برای صلح و امنیت جهانی تلقی می کردند.

۲- شبهه اساسی در مورد عدم پای بندی ایران به معاهده و نقض معاهده توسط ایران.

۳- شبهه وسیع در مورد انحراف به سمت ساخت سلاح هسته ای؛ به نحوی که مکرر مدعی می شدند که مثلاً تا ۶ ماه دیگر ایران به بمب هسته ای دسترسی پیدا می کند.

۴- طیف وسیع ابهامات و سئوالات آژانس که لیست بسیار وسیعی بود.
اما با ۸ ماه همکاری، قطعنامه آژانس در اجلاس ژوئن نشان می دهد که:
اولاً: ابهامات مهم به ۲ مورد تقلیل یافته است.

ثانیاً: برخلاف اجلاس های نوامبر ۲۰۰۳ و مارس ۲۰۰۴، هیچ زمینه ای برای حتی طرح ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل وجود ندارد و آمریکا کاملاً در مورد این خواسته سیاسی منزوی شده است. ثالثاً: هیچ ادعایی حتی در سخنرانی های اعضا در مورد انحراف به سمت سلاح مطرح نشد. در حالی که در اجلاس های قبلی از محورهای اساسی بحث همین مورد بود.

رابعاً: برخلاف اجلاس مارس که مساله P2 به عنوان کشف جدید موجب جنجال بین المللی و بی اعتمادی شد، در اجلاس جهانی هیچ ادعایی در مورد مخفی کاری و کشف مساله جدید مطرح نیست. خامساً: مقررات که در قطعنامه های قبلی بدان اشاره شده بود، دیگر در این قطعنامه تکرار نشده است.

از سوی دیگر:

۱- در اجلاس، اکثر قریب به اتفاق سخنرانان از ضرورت پایان یافتن پرونده سخن گفتند.

۲- در قطعنامه ذکر شد که ظرف چند ماه آینده با همکاری های طرفین، پرونده بسته شود.

۳- بسیاری از کشورها، مواضعشان نسبت به گذشته تعدیل شد.

۴- آژانس به اشتباه خود در مورد ادعای علیه ایران راجع به تناقض گویی در بحث P2، اعتراف کرد که در تاریخ آژانس بی سابقه بود.

لذا من قبلاً هم گفتم این قطعنامه نسبت به قطعنامه های قبلی مثبت تر بود و مهمتر اینکه نشان می دهد که مساله هسته ای ایران از حالت یک تهدید و بحران خارج شده است.

* شما خیلی قاطع از سیاست های هسته ای دفاع می کنید؟ آیا به خاطر این نیست که مسئولیت این سیاست ها را جناب آقای روحانی و دبیرخانه شورایی امنیت ملی به عهده دارد؟

- سیاست های هسته ای در جمعی متشکل از عالی ترین مقامات کشور تصمیم گیری می شود و تصمیم یک فرد یا یک نهاد نیست، تصمیم کل نظام است.

* پس چرا بعضی ها اینقدر بی باکانه، سیاست های هسته ای را به چالش کشیده و مخالفت می کنند؟

- بسیاری مطلع نیستند که این تصمیمات در عالیترین سطوح کشور و با حضور عالی ترین مقامات گرفته شده و پس از تأیید مقام رهبری اجرا می شود.

* هدف اصلی این سیاستها چه بوده است؟

اولاً: رفع تهدید ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل

ثانیاً: حفظ توانمندی صلح آمیز هسته ای و ایجاد زمینه مساعد برای همکاری سایر کشورها با جمهوری اسلامی ایران در زمینه تکنولوژی صلح آمیز هسته ای که سیاستهای هسته ای، بحمدالله در این دو هدف یعنی «رفع تهدید» و «حفظ توانمندی هسته ای» تاکنون موفق بوده است.

* معتقدید مجلس باید پروتکل را تصویب کند؟

-کسی نمی تواند برای مجلس تعیین تکلیف کند. مجلس عالی ترین مرجع قانون گذاری کشور است و حفظ حرمت آن برای همه الزامی است.

* اگر شما نماینده مجلس بودید به پروتکل رأی مثبت می دارید؟

-رأی مثبت می دادم مشروط بر اینکه:

۱- اجرای پروتکل متضمن تأمین حقوق حقه کامل ایران در بهره مندی از کلیه تکنولوژی های صلح آمیز هسته ای شود، ۲- روابط آژانس با ایران عادی شود، ۳- پرونده هسته ای ایران بسته شود، زیرا هدف ما باید تکنولوژی صلح آمیز و جلب اعتماد جهانی باشد.

* با پایان تعلیق موافقت؟

- تصمیمی است که نظام گرفته است، آن هم در عالی ترین سطوح.

* این تصمیم تأثیر منفی بر روند هسته ای نخواهد گذاشت؟

- نمی گویم که هیچ تأثیر منفی نخواهد داشت، اما دلیل حقوقی وجود ندارد که کل روند هسته ای را تحت الشعاع قرار دهد. برای دنیا اجرای پروتکل مهم است و برای ما بهره مندی از تکنولوژی صلح آمیز. مهمترین محورهای بیانیه تهران هم همین است. این مساله ای که می توان با اروپا و شورای حکام همکاری را ادامه داد. البته ممکن است؛ مقاصد سیاسی برای ایران مساله سازی کنند.

* شایع است که آقای روحانی برای مقاصد سیاسی خاصی این مسئولیت را پذیرفته است، آیا درست است؟

-همه اعضا شورای عالی امنیت ملی مستحضرد که وزیر محترم امور خارجه در جلسه شورا در محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد داد که ایشان این مسئولیت را بپذیرد و کل اعضا شورای عالی در موافقت با پیشنهاد وزیر خارجه، اجماع داشتند، با این وجود، ایشان نپذیرفت.

با اصرار اعضا به ویژه شخص ریاست محترم جمهوری ایشان مسئولیت را پذیرفت. اما با وجودی که از طرف نظام، ایشان اختیار کامل داشته و دارد، از ابتدای پروسه، کلیه تصمیمات را با تصویب عالی ترین مقامات و به ویژه پس از تأیید مقام معظم رهبری مدظله العالی انجام داده است.

* آیا مساله هسته ای به مبارزات انتخاباتی داخلی کشیده شده است؟ چون احساس می شود

بعضی از مخالفتها با سیاستهای هسته ای، بی ارتباط به انگیزه های کاندیداهای احتمالی نیست.

- در این مورد نظری ندارم. اما این واقعیتی است که بعد از انقلاب، همیشه بسیاری از موضوعات سیاست خارجی به مسائل داخلی ما مرتبط شده است و شاید در مواردی هم مصالح ما در سیاست خارجی قربانی مسائل داخلی شده باشد. البته این وضعیت در بسیاری از کشورهای دیگر هم مشاهده می شود و مطلبی معمولی و رایج در دنیا است.

* گفته می شود که آقای البرادعی در سپتامبر یا اکتبر برای دور جدید کاندیدای مدیرکل آژانس شود تا در نوامبر مجدداً انتخاب شود. وی نیازمند حمایت آمریکاست و لذا اگر پرونده ایران در اجلاس ژوئن یا حتی سپتامبر بسته شود، آمریکایی ها از وی حمایت نخواهند کرد. این را دلیلی می دانند که پرونده ایران در اجلاس ژوئن بسته نشود، چون برای البرادعی انتخاب مجدد اصل بود نه بسته شدن پرونده ایران. سفرهای اخیر وی به آمریکا را نیز در راستای جلب حمایت واشنگتن از کاندیداتورش می دانند. در این مورد چه می گوید؟

- در این مورد بهتر است از خود آقای البرادعی بپرسید.

* یکی از روحانیون اخیراً اعلام داشته که آقای دکتر روحانی سفری به بلژیک داشته و توافق نامه ای را با وزرای سه کشور به امضا رسانده است؟

- آقای دکتر روحانی سفری به بروکسل برای امضا تفاهمنامه با سه وزیر اروپایی نداشته است.

تفاهمنامه در سطح کارشناسان دو طرف امضا شد.

منتهی این عزیزان از يك حقیقت مهم مطلع نیستند و آن اینکه کلیه سیاستها و تصمیمات مساله هسته ای جمعی و در عالی ترین سطوح نظام است. لذا مورد انتقاد قراردادن يك فرد یا يك نهاد، معنی ندارد، به ویژه اینکه بعضاً اصل انتقادات هم براساس مطالبی باشد که اصلاً واقعیت نداشته است.

* راجع به آینده روند سیاستهای هسته ای خوشبین هستید؟

- ممکن است شکستن تعلیق در يك مقطع کوتاه، مشکلاتی را درست کند، تا زمانی که ایران با آژانس همکاری شفاف و کامل داشته باشد، مشکلی نخواهد بود، ولی باید وضعیت ایران عادی بشود و کشورها با ایران همکاری صلح آمیز هسته ای داشته باشند. در غیر این صورت NPT اعتباری نخواهد داشت.